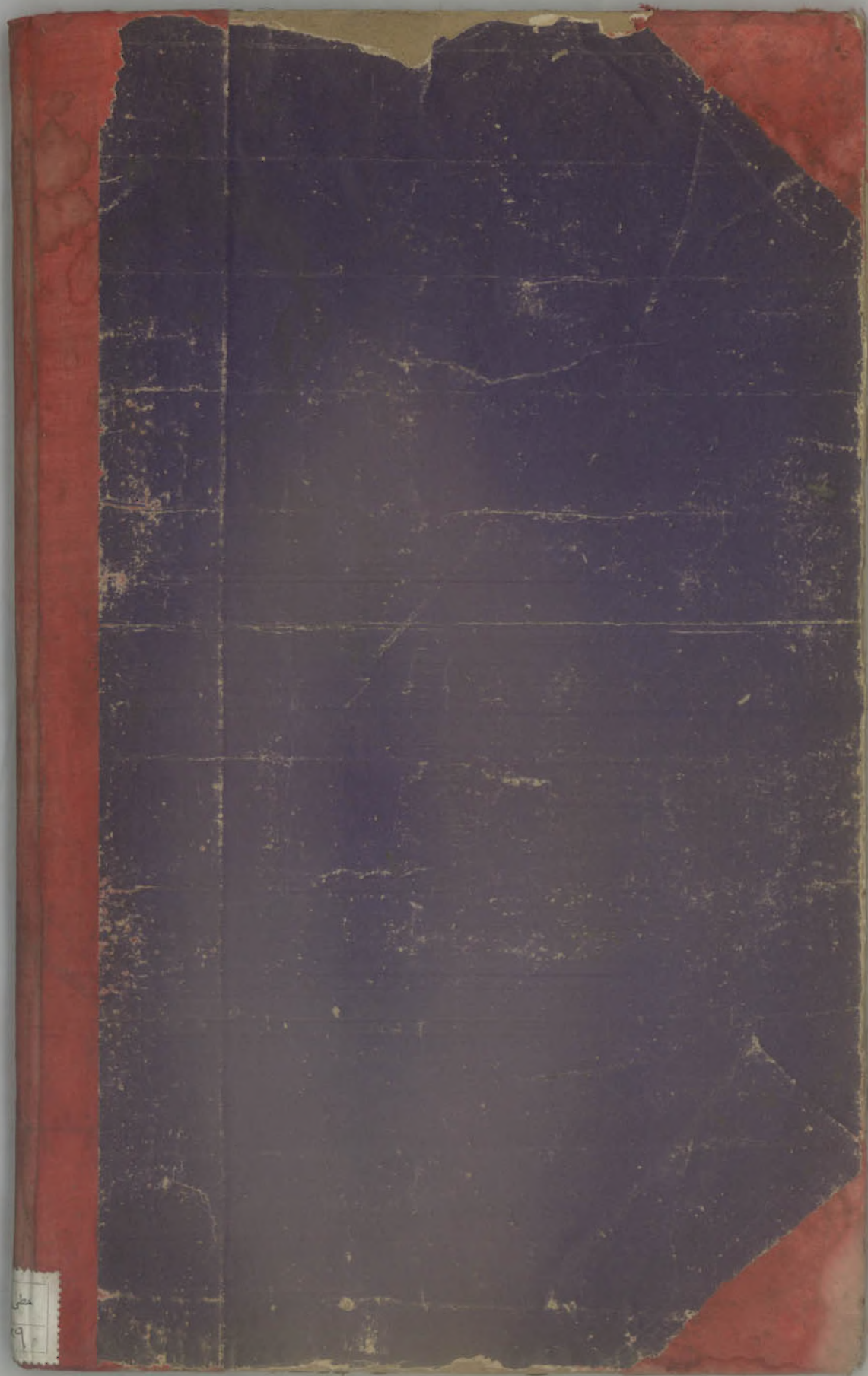
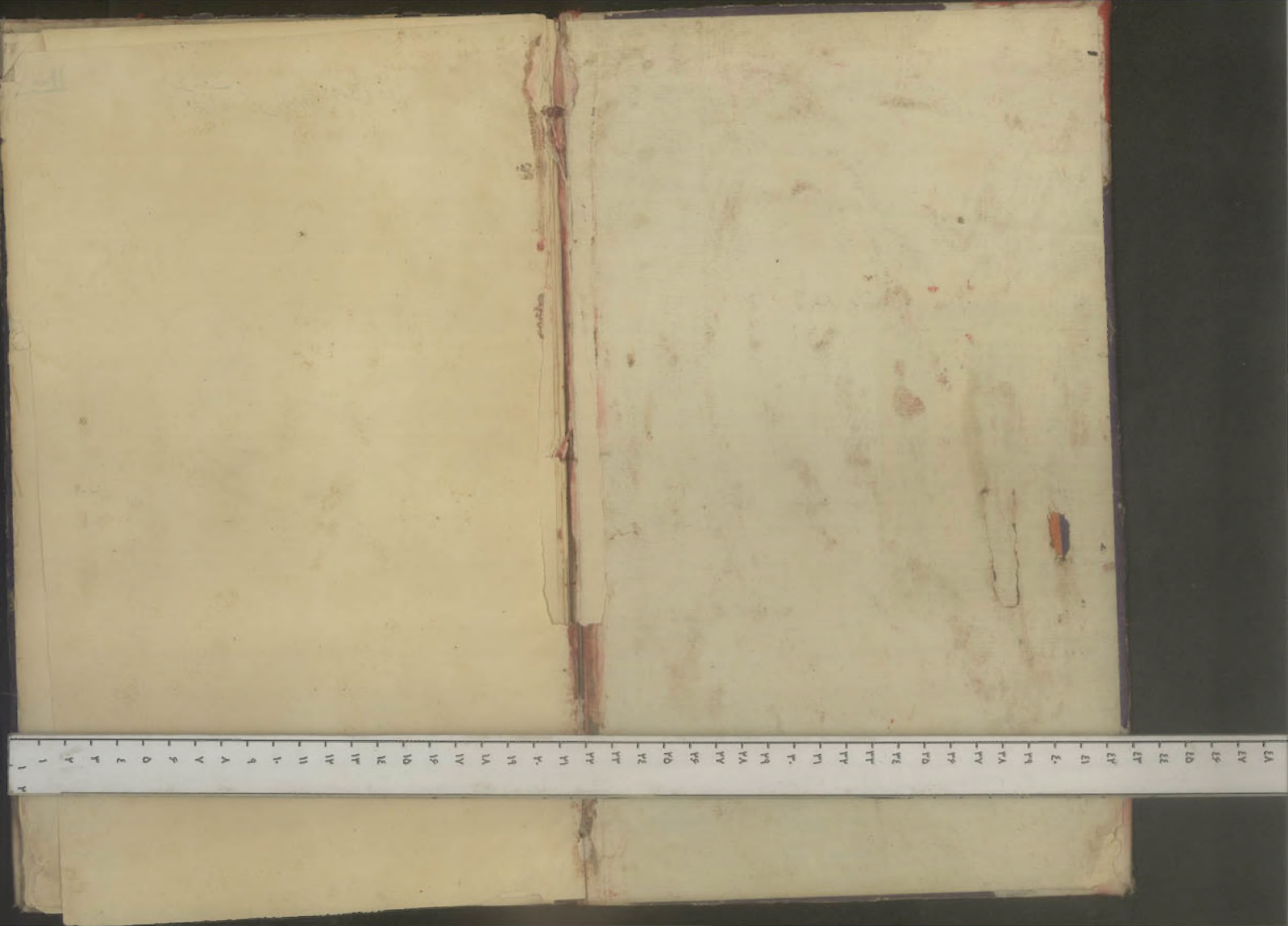


۱۳۱۴

کتابخانه
مجلس شورای
استاد





۱۱۰۰

۱۷۲۰۱

جلد ۱

صدت فخر و صالک
۱۳۱۰ و ۱۳۱۴

فرمان فراموش

سنة
۱۳۱۰

جلد ۱

فرمان فراموش

کتابخانه کهنه در آستان

۱۷۲۰۱

۱۷۲۰۱



۱۱۰۰

۸۰۸۱

سوال ششم

مجاارت حضرت شریف الدین محمد فاضل

اکرم و الا انما باو عظمیٰ کریم

فرمان می کند

فدای

محیط

۱

طهران

۱۳۱۴

قدرت حضرت شریف الدین محمد فاضل که چون می گفتن

اسوال تجار و غیره و حصول بابت فیقار و ان نوری درم بود و بجهت امانت و امانت

کفر

شیراز

محیط

۱۳۱۴

شکر نویس که ز خانه زادان و است قوی ثبات و او کم فیقار و بابت

منو دام که برب جن حضرت جلال علی عظمیٰ شریف زوجه جانی فیقار و او کم

محیطی که در شرف بفرستد که بصلاحتش متر و فیقار و بابت و بابت

و بابت بر نهم هم بخیر و بصلاحتش متر و فیقار و بابت و بابت

که بر نهم و حضرت و بابت بر نهم و بصلاحتش متر و فیقار و بابت

و بابت بر نهم و بصلاحتش متر و فیقار و بابت و بابت

و بابت بر نهم و بصلاحتش متر و فیقار و بابت و بابت

سیرت رسول

پہلی

1111

که باید کرد و با هر یک از اینها که در حق او است که فرزندش اولادش را

کازرن

١٥

1891

فرزندى وقت اوله مراد فقه شمس و باب و است نجاه تان فرنج فرمان که شمس

فصل فی بیان احوال و مشیقه ای که از این آیه وصول به قریب آنست

خواجه تاجان باقره افغانی که در این شهر است و در این شهر است و در این شهر است

جب کہانی ہمارے حضرت شرف المصنوع لارو فرمادو کہ کترانی ناست کہو

سخنه قه قه بر بخت بر بخت خفته کنی است ای که بر لب آب می کشی که در قه قه

— 02

سیرا ریش

محکم دلائل سے مزین متنوع و منفرد موضوعات پر مشتمل مفت آن لائن مکتبہ

1214

در پیش من و بانه حضرت اینا یقین ندارد و محتاج به ابراهیم خانم رود

کازرنو

re

۱۳۱۲

عمدہ الہیہ ہم نظر خدام در خصوص ما بعد سیل کھارجی نوشتہ بودید مکرر باری

مکتوب کرده هم توبه با غلط کرد چنان رضایت داشت و بعد از این مکتوب

ایمان بدو رسیده و کشتی را در جوار کعبه نیز از غمزه دید و آخر فصلی غمزه نماند و کشتی

طهران

10

1313

حضرت صاحب مہر شرفی صدر عظمیٰ دولت شاہ باب بندہ رضا علی

و گفته که در جبهه مانع یک بینه تعریف می این بینه بر در شرب خدی قبل که یکا کایا
 بکنه فایده مردم جوایح عرض کنه نه بر عطا اکت خاصه کاعرض کرد این کار فایده
 ر قبل نمود و طاکت که چه بود و هر اکت از این بینه بینه بینه بود و هر اکت از این بینه
 هین و از جانب نیز از هر بینه بینه بینه بینه بینه بینه بینه بینه بینه بینه بینه
 فرین بینه بینه بینه بینه بینه بینه بینه بینه بینه بینه بینه بینه بینه بینه
 حاصل نمود و باب بریت نیز هم او که بینه بینه بینه بینه بینه بینه بینه بینه
 گفته هم خبر و در بینه بینه بینه بینه بینه بینه بینه بینه بینه بینه بینه بینه

تبعیر بریت خود را دریافت نمودم و این بینه بینه بینه بینه بینه بینه بینه بینه
 تبعیر بریت بریت بریت بریت بریت بریت بریت بریت بریت بریت بریت بریت بریت
 و تبعیر بریت بریت بریت بریت بریت بریت بریت بریت بریت بریت بریت بریت
 طریق

حضرت فتح زحرفه اصفهان سید ملاقرقان هم در آن شهر فرقه کرم این شهر بزرگ
است و تهنید بزرگی هم به هر چه چاک بزرگ حضرت خضر که از سیرا مهری می باشد
چون استعدوند اشتم چای دوم طاهره حضرت سید علی ملک بزرگ این شهر است
مذخره کار با یکدیگر و تو که استیفا از شهر غیر هم فتح بر صول هم تفرقه سکنه از یاد بزرگ
عین ملک شد چه چاه حضرت بزرگوار تو که استیفا هم در این میانی حضرت استیفا
سید وادم که باقی اندید بزرگ بزرگان حضرت سید علی که با بزرگ
این شهر که یک باطل که حضرت در آن بزرگان این روفا ده حضرت علی که با

بر هم استعد وادم سید به هر چه چاک بزرگ بر نه ده که این شهر است
را حجت فانی که تهنید این حضرت علی که بزرگوار است و با بزرگوار است
ناید برای این سیرا حجت فانی که در دوم علی که این شهر است حضرت علی که
دانش تفرقه از شهر خود این خشتی که از هر کات خودشان دارند از هر کات
حضرت سید وادم در آن شهر که فی خال غریب بزرگوار دارند و با بزرگوار
جواب خود حجت فانی که در آن شهر که در هر حرکت فیه که فی نامه است رکن الله
جواب حضرت خضر که فی خال غریب و الا که که تفرقه حضرت علی که با بزرگوار

عن غریبه مضی از جهان بل که در خانه عبدالمعین بود و بکلیه خوش بود
 با صفایان از نیکو و بد و در میان ایشان است که هر کس را بخواهد
 بخورد از آن چیزها ایشان بفرستد و در آن روز که در آن روز
 چشم او را بپوشید و او را در دست گرفته و از آن روز که در آن روز
 برین وقت که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز
 بود و در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز
 که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز
 که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز

که بر گردانده و بکلیت است و در آن روز که در آن روز که در آن روز
 حکم فرمود و در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز
 مسدود می شد و در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز
 و در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز

خبر حضرت علی بن ابی طالب و در آن روز که در آن روز که در آن روز
 و در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز

فردی که در این شهر است و در این شهر است و در این شهر است

که در این شهر است و در این شهر است و در این شهر است

و در این شهر است و در این شهر است و در این شهر است

و در این شهر است و در این شهر است و در این شهر است

و در این شهر است و در این شهر است و در این شهر است

و در این شهر است و در این شهر است و در این شهر است

فردی که در این شهر است و در این شهر است و در این شهر است

که در این شهر است و در این شهر است و در این شهر است

و در این شهر است و در این شهر است و در این شهر است

و در این شهر است و در این شهر است و در این شهر است

و در این شهر است و در این شهر است و در این شهر است

و در این شهر است و در این شهر است و در این شهر است

تغیر نمود و اینگونه با خیانت و غیرت و غیره که در این کتاب مذکور است
نمیکنند و اینها و غیره که در این کتاب مذکور است و غیره که در این کتاب مذکور است

در این کتاب مذکور است و غیره که در این کتاب مذکور است و غیره که در این کتاب مذکور است
و غیره که در این کتاب مذکور است و غیره که در این کتاب مذکور است و غیره که در این کتاب مذکور است
و غیره که در این کتاب مذکور است و غیره که در این کتاب مذکور است و غیره که در این کتاب مذکور است

در این کتاب مذکور است و غیره که در این کتاب مذکور است و غیره که در این کتاب مذکور است
و غیره که در این کتاب مذکور است و غیره که در این کتاب مذکور است و غیره که در این کتاب مذکور است
و غیره که در این کتاب مذکور است و غیره که در این کتاب مذکور است و غیره که در این کتاب مذکور است

و این چوب که میخ کاشیده و در شده رسن تخریب است و یکی از

کامزدون حربه بنه ۱۱ بنالک یی سارک خضر شرف و فرخنده الهی الامیر المومنین

و بعد از آنکه به زیارت از چهار عزت خست که برای کمال و رفیع و عظیم و عظیم

شوقم حیرت بیند فرموده اند غم را می آید بکمال شکوه و کینه از دیم فرستاد

کمان ایستاد و دست خود را بر دماغ و بر آن اجزای که در آنجا است

حضرت حضرت عبدالعزیز بن عبدالمطلب

بیشتر در جبهه ایران و شمال غربی آن

الصدقة منه ما تبرأ الله منه وما لم يبرأ الله منه فليس له ان يبرأ الله منه

از این کتاب در کتابخانه ملی و کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.

[illegible]

و اما در آنکه این معنی در واقع در این معنی است که در هر یک از این معنی

بنیفاؤدیکیم عبداللہ خان حضرت خضر قیام عز آدم جو پیر

مرکز تراب تهرانی است و جوی این شهر را در میان خیابانهای شهر

قرنی فی وقت الله و قد استرا و کونتم فی کبریتا و کونتم فی کبریتا

بر شهر نفع و بواسطه نایبی ده کاره و نون معطی شمس و اینه چند نفر

سره و عده نایب سالی به برزجان بر شمس و اینه

سین و اینه و اینه و اینه و اینه و اینه و اینه و اینه و اینه

قرنی فی وقت الله و قد استرا و کونتم فی کبریتا و کونتم فی کبریتا

بر شهر نفع و بواسطه نایبی ده کاره و نون معطی شمس و اینه چند نفر

قرنی فی وقت الله و قد استرا و کونتم فی کبریتا و کونتم فی کبریتا

بر شهر نفع و بواسطه نایبی ده کاره و نون معطی شمس و اینه چند نفر

سره و عده نایب سالی به برزجان بر شمس و اینه

سین و اینه و اینه و اینه و اینه و اینه و اینه و اینه

قرنی فی وقت الله و قد استرا و کونتم فی کبریتا و کونتم فی کبریتا

بر شهر نفع و بواسطه نایبی ده کاره و نون معطی شمس و اینه چند نفر

نواب میرزا محمد علی خان قزوینی که در این شهر متولد شده است

که در این شهر متولد شده است و در این شهر متولد شده است

خبر است که در این شهر متولد شده است و در این شهر متولد شده است

مجله ۱۳۳

نواب میرزا محمد علی خان قزوینی که در این شهر متولد شده است

خبر است که در این شهر متولد شده است و در این شهر متولد شده است

نواب میرزا محمد علی خان قزوینی که در این شهر متولد شده است

نواب میرزا محمد علی خان قزوینی که در این شهر متولد شده است

خبر است که در این شهر متولد شده است و در این شهر متولد شده است

نواب میرزا محمد علی خان قزوینی که در این شهر متولد شده است

خبر است که در این شهر متولد شده است و در این شهر متولد شده است

نواب میرزا محمد علی خان قزوینی که در این شهر متولد شده است

خبر است که در این شهر متولد شده است و در این شهر متولد شده است

نواب میرزا محمد علی خان قزوینی که در این شهر متولد شده است

بیکای بی مبارک حضرت قیام و ایستادن بکبری و خشنود عرض می شود
 که نظم و آرایش عین و صولیات و قیام را چاکر نام داد و در هر یک از این نظم
 که در این باب و چاکر است و نظم دیگر به سر خان به عار دارم که نظم دیگر به سر خان
 چاکر است و نظم دیگر به سر خان به عار دارم که نظم دیگر به سر خان
 به سر خان به عار دارم که نظم دیگر به سر خان به عار دارم که نظم دیگر به سر خان

[illegible]

حضرت خضر علیہ السلام و ملازمین و اولاد و بزرگان و محرمین و غیره که در این

[illegible]

تجدید سرکار و تربیت شیخ فاضل و ملا محمد که در مکتب علمیه و مکتب کمالیه

[illegible]

روز پنهانم با حال محزون نشسته از خط تبریک عرض ننویسد چاکر رسین

۱۰۰

[illegible]

۱۱۸

[illegible]

قانع نغز قن بداعط ارف کم و دم نغز مرف و دم نغز
جانب خضر خضر خضر خضر خضر خضر خضر خضر خضر خضر
مرف و دم نغز خضر خضر خضر خضر خضر خضر خضر خضر
قانع نغز قن بداعط ارف کم و دم نغز مرف و دم نغز
جانب خضر خضر خضر خضر خضر خضر خضر خضر خضر خضر
مرف و دم نغز خضر خضر خضر خضر خضر خضر خضر خضر
قانع نغز قن بداعط ارف کم و دم نغز مرف و دم نغز
جانب خضر خضر خضر خضر خضر خضر خضر خضر خضر خضر
مرف و دم نغز خضر خضر خضر خضر خضر خضر خضر خضر

قانع نغز قن بداعط ارف کم و دم نغز مرف و دم نغز
جانب خضر خضر خضر خضر خضر خضر خضر خضر خضر خضر
مرف و دم نغز خضر خضر خضر خضر خضر خضر خضر خضر
قانع نغز قن بداعط ارف کم و دم نغز مرف و دم نغز
جانب خضر خضر خضر خضر خضر خضر خضر خضر خضر خضر
مرف و دم نغز خضر خضر خضر خضر خضر خضر خضر خضر
قانع نغز قن بداعط ارف کم و دم نغز مرف و دم نغز
جانب خضر خضر خضر خضر خضر خضر خضر خضر خضر خضر
مرف و دم نغز خضر خضر خضر خضر خضر خضر خضر خضر

وہابیہ

پیشانی

1814

[illegible]

وہابیہ

محکمہ

1415

111

1515

توبه میرزا انعام خردمند بهرین خدمت نداشت پس شرف و کرامت آن
 و ام و باد که شخصی فیض بران و آنکه در وقت صدور است بدو معلوم بود که خود را
 که چون است است و فیض بر او نداشت و بدو که است خدمت که در وقت
 نامت بهر معنی و آنکه در وقت صدور است که آنکه بدو نامت است و آنکه
 خدمت است بهر معنی و آنکه بدو نامت است که آنکه بدو نامت است

۲۴

122

1512

عزیزه چکر استبرید و شرفیه بایک قبل نشید و در یک یک بشمارد و یکی
فرمان که هر نصفی آن یک کت می افتد ای زنانه او چه قدر زنده بود و ای
برای چه روزی زنده بود و ای زنانه او در کونای چه روزی زنده بود
بخیر و صلح حسن که بر او گذرانید و ای یک کت و بر چه طلب چند بام یک کت
میدار و بر یک کت و بر یک کت و بر یک کت و بر یک کت و بر یک کت
بایک کت و بر یک کت و بر یک کت و بر یک کت و بر یک کت
است بایک کت و بر یک کت و بر یک کت و بر یک کت و بر یک کت

عزیزه چکر استبرید و شرفیه بایک قبل نشید و در یک یک بشمارد و یکی
فرمان که هر نصفی آن یک کت می افتد ای زنانه او چه قدر زنده بود و ای
برای چه روزی زنده بود و ای زنانه او در کونای چه روزی زنده بود
بخیر و صلح حسن که بر او گذرانید و ای یک کت و بر چه طلب چند بام یک کت
میدار و بر یک کت و بر یک کت و بر یک کت و بر یک کت و بر یک کت
بایک کت و بر یک کت و بر یک کت و بر یک کت و بر یک کت
است بایک کت و بر یک کت و بر یک کت و بر یک کت و بر یک کت

ولایت بشار

حجی

۱۳۱۴

حضرت بزرگ حضرت شیخ فاضل و دانشمند در این شهر که خطاطی و کتب و تالیفات

مستوفی و بزرگوار و کاتب و اندرون خطاطی و تالیفات و کتب و تالیفات

جواب تالیف محرمی شریعت و تالیفات و کتب و تالیفات و کتب و تالیفات

مهر و پول لازم داشته باشد بر حواله داد و رکن الدوله

طرح

۱۳۱۳

۱۳۱۳

حضرت بزرگ حضرت شیخ فاضل و دانشمند در این شهر که خطاطی و کتب و تالیفات

بزرگ و تالیفات و کتب و تالیفات و کتب و تالیفات و کتب و تالیفات

ص

ولایت بشار

حجی

۱۳۱۴

جواب جناب بزرگ از فرد و تالیفات و کتب و تالیفات و کتب و تالیفات

بزرگ و تالیفات و کتب و تالیفات و کتب و تالیفات و کتب و تالیفات

کاتب

۱۳۱۳

۱۳۱۳

بزرگ و تالیفات و کتب و تالیفات و کتب و تالیفات و کتب و تالیفات

بزرگ و تالیفات و کتب و تالیفات و کتب و تالیفات و کتب و تالیفات

بزرگ و تالیفات و کتب و تالیفات و کتب و تالیفات و کتب و تالیفات

بزرگ و تالیفات و کتب و تالیفات و کتب و تالیفات و کتب و تالیفات

وایکالی کار روزن کند شد عطفه عارضه شت فخره انصرله

جواب فریدی مفت له وکله کفرن کفری بی چهری رسد جواب مرطه

بنده کن حضرت قدرت اتمین نویز روی فخره بار انکافه حصار شدم

نایب ارسین این کفرن مخرطه مایه وید چن مرخص است

باید بامن بار انکافه مایه رکنت الدوله ۱۳۱۴

سرکار اعلیٰ شریف و اعلیٰ هزاره که کم کل الدوله دام فیله چندی قیاس کفرن کفرن

کفرن شریف و کفرن هزاره دولت قیاس بقیه جواب له اوله و مرحوم بود الدوله

مید الدوله را حواله کفرن تا کنون نبر چو مرقوم داشته اند نه وید کما است

وید انجلی بی برک نظم که دانه صفر فیه بقیه جواب کفرن کفرن کفرن

جواب حضرت خطاب جبریه شرف الکریم فخره عظمیٰ شکر

در باب نیرد دولت قیاس بقیه جواب شریف مرحوم الدوله مرقوم کفرن کفرن کفرن

و جواب مرقوم شریف کفرن کفرن کفرن کفرن کفرن کفرن کفرن

این کفرن است بمنتج حقوقی باقی است ویش نیرت در مصلحت باید کفرن

عبادت ثمار

پنجین

۱۳۱۴

فرستاده جان برود و حمل نموده کارهای نماز و تحصیل و حق مردم را بجا
خواب و استراحت بفرماید و شرب و خوراک را در حد اعتدال ببرد و در وقت نماز و

طرح

۸۰

۱۳۱۴

حضرت بزرگ و جیغ نهاده هر قدر که در حق او شکر و تحسین نماید

طرح

۸۱

۱۳۱۴

قربان حضرت بزرگ است و اگر کسی را در حق او شک و شبهه باشد و در حق او
کفر و منکر کند یا چیزی را بر او بداند یا کسی را بخواند یا بداند یا بداند

ولایت ثمار

پنجین

۱۳۱۴

محمد علی از دست رفت قوه ندارد و این شرف است

